



## سیمای امام موسی کاظم (ع) در آینه شعر معاصر عربی و فارسی

بهبود ناصری هرسینی(\*)

د. تورج زینی‌وند(\*\*)

د. علی اکبر محسنی(\*\*\*)

د. علی دودمان کوشکی(\*\*\*\*)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۳/۰۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۲۰۲۳/۰۳/۰۵

### چکیده

بررسی شخصیت امام کاظم (ع) و بازتاب گسترده آن در شعر معاصر آیینی عربی و فارسی، محور اصلی این پژوهش است. نگارندگان، با بهره‌گیری از رویکرد ادبیات تطبیقی اسلامی، به بررسی توصیفی تحلیلی سیمای امام کاظم (ع) در شعر چهار تن از شاعران معاصر عربی و فارسی پرداخته‌اند، تا نشان دهند که اندیشه شاعران معاصر عربی و فارسی درباره این شخصیت چگونه بوده است و هر یک از آنان، در توصیفات خود از چه ابزارهای ادبی بهره برده‌اند؟ یافته‌های پژوهش،

(\*) دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

(\*\*) استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول) t\_zinivand56@yahoo.com

(\*\*\*) دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

(\*\*\*\*) استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

بیانگر این است که اندیشه‌های این شاعران در بسیاری از موارد شبیه به هم است. علت اساسی این تشابه در مسأله اعتقاد به اصل امامت در میان ایشان است. همچنین موضوعاتی؛ همانند مصائب و زندانی شدن امام (ع)، عبادات وی، از جمله موضوعات مشترک میان این دوگروه شاعر است. اما موضوعاتی؛ همچون نوری از انوار، حجت حق و الگو برداری از ظلم‌ستیزی، بیشتر در شعر شاعران فارس و قضیه مسموم شدن امام در زندان، در شعر شاعران عرب منعکس شده است. همچنین، شاعران عربی‌سرای مورد پژوهش برخلاف دو شاعر فارس، در شعر خود بیشتر به جزئیات زندگی امام (ع) پرداخته و زبان شعری آنان ساده‌تر است، اما آرایه‌های بلاغی کمتری را نیز به خدمت گرفته‌اند.

**واژه‌گان کلیدی:** امام کاظم (ع)، ادبیات تطبیقی، ادبیات متعهد، شعر معاصر عربی و فارسی.

## ۱- مقدمه

پیوند میان فرهنگ و ادب عربی و فارسی به پیش از اسلام بر می‌گردد و با ظهور اسلام نیز تقویت شده و به شدت، گسترش یافته است. از فصل‌های مشترک ادب عربی و فارسی پس از اسلام، بیان محبت و دوستی شاعران نسبت به اهل بیت (ع) بوده است. تأکید بر این دوستی و محبت در آموزه‌های قرآنی و روایی به فراوانی دیده می‌شود. چنین رویکردهایی در شعر عربی و فارسی با عنوان‌هایی همچون؛ ادبیات شیعه، ادبیات شیعی، ادبیات متعهد شیعی، ادبیات متعهد شیعه و .... شناخته شده است.

### ۱-۱- تعریف موضوع و بیان مسئله

ادبیات متعهد اسلامی، بویژه شعر شیعی و ستایش اهل بیت (ع)، از افتخارات و روشنایی‌های ادب عربی و فارسی به شمار می‌رود. این ادبیات که در پی ترویج

فضیلت‌ها و منقبت‌های اهل بیت (ع) است، می‌تواند آغازگر فصل مشترکی از پیوندهای مذهبی و فرهنگی جهان اسلام قرار گیرد. شخصیت امام کاظم (ع) و بازتاب گسترده آن در شعر آیینی عربی و فارسی از جمله عرصه‌های پژوهش در این زمینه است. تاریخچه نخستین شعر در وصف امام (ع) در ادب عربی به سید حمیری (۱۰۵-۱۷۹ق) بر می‌گردد که در مدح اهل بیت (ع) و برشمردن نام‌های مبارک ائمه (ع) سروده است و تاریخ ستایش امام کاظم (ع) در ادب فارسی به شعر عطار نیشابوری (۵۴۰ - ۶۱۸ق) که در قصه شقیق بلخی و هارون الرشید و بیان اطاعت از امام معصوم (ع) آورده است، بر می‌گردد. در روزگار معاصر نیز با گرایش بیشتر شاعران به ادبیات متعهد، این گونه شعری از کمیّت و مخاطبان بیشتری برخوردار شده است. از برجسته‌ترین رویکردهای شعر عربی و فارسی در وصف امام (ع)، توسل جستن به آستان مقدس ایشان، پیچیدگی در برخی صور خیال، پیوند آرمان‌های سیاسی و اجتماعی اهل بیت (ع) با جریان مقاومت و جهاد علیه استبداد و استعمار است. این پژوهش براساس رویکرد ادبیات تطبیقی اسلامی استوار است که بر مشترکات فرهنگی و مذهبی میان مسلمان تأکید می‌کند و «بیشتر در جستجوی وحدت و همگرایی فرهنگی میان ملت‌های اسلامی است» (زینی‌وند، ۱۳۹۵: ۱۲۳)، صورت می‌گیرد و در آن، به بررسی توصیفی - تحلیلی سیمای امام (ع) در شعر چهار شاعر معاصر عربی و فارسی پرداخته می‌شود.

## ۱- ۲- پیلثینه پژوهش

در باره سیره و زندگی امام موسی کاظم (ع) کتاب‌ها و مقالات فراوانی از منظرهای متعدد و متنوع به چاپ رسیده است، اما می‌توان ادعا نمود که برای اولین بار است که اندیشه شاعران عربی و فارسی درباره شخصیت موسی بن جعفر (ع) به این صورت مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱- ۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

ضرورت و اهمیت این پژوهش، از آن جهت است که تا کنون پژوهشی توصیفی - تحلیلی در باب سیمای امام موسی کاظم (ع) در شعر معاصر عربی و فارسی صورت نگرفته است.

## ۲- بحث

## ۲- ۱- امام موسی کاظم (ع)

امامت امام موسی کاظم (ع) سی و پنج سال به طول انجامید؛ «دوران امامت حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) یکی از مهمترین مقاطع زندگی نامه ائمه (ع) است. امامت ایشان در سخت‌ترین دوران‌ها شروع شد. چهار خلیفه در دوران امام (ع) به خلافت رسیدند: منصور، مهدی، هادی و هارون الرشید. منصور، حضرت را به بغداد احضار کرد و مدتی هم ایشان را به نقطه‌ای در عراق؛ به نام ابجر تبعید کرد. در زمان مهدی، حداقل امام (ع) را دو بار به بغداد بردند و هادی با وساطت یکی از فقها از احضار امام موسی کاظم (ع) منصرف شد. هارون الرشید، امام (ع) را در جاهای مختلف زندانی کرد. تا شاید بتواند در زندان با وی معامله کند» (ن. ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۹۵-۳۰۲)؛ اما هارون نه تنها نتوانست با زندانی نمودن امام (ع) و تحت فشار قرار دادن، او را وادار به قبول و تسلیم نماید، بلکه به هر زندانی که امام (ع) را می‌بردند، پس از اندکی همه سربازان، اطرافیان و زندانبانان متوجه شخصیت فوق العاده او می‌شدند. «شخصیت موسی بن جعفر (ع) در داخل زندان هم همان شخصیت مشعل روشنگری است که تمام اطراف خود را روشن می‌کند.» (همان: ۳۰۲) تا اینکه در نهایت «موسی بن جعفر (ع) را در زندان مسموم کردند.» (همان: ۳۰۳)

۲-۲- سیمای امام کاظم (ع) در شعر شاعران معاصر پارسی‌گو و عربی‌سرا

۲-۲-۱- تولّد امام موسی کاظم (ع)

احمد قاضی هرسینی<sup>(۱)</sup> (۱۳۱۴-۱۳۹۱) که عشق به ولایت ائمه اطهار(ع) در زندگی و شعر وی مشهود است، در قصیده «سائل راه ولایت» به توصیف تولّد امام (ع) پرداخته است:

۱- شاددل می‌تپد از شوقِ جمالِ موسی	می‌رود جان به تمنایِ خصالِ موسی
۲- شاد در دایرهٔ چرخِ زمان می‌خندد	از گلِ یاسمنِ حُسنِ کمالِ موسی
۳- روزِ میلادِ گرانقدرِ امامِ هفتم	روزِ وصل است به الطافِ وصالِ موسی
۴- چشمِ امت به سمدار پی این ماهِ نواست	تا ببیند به دل بدرِ هلالِ موسی
۵- دیده منتظر حضرت صادق به ره است	که ببیند رخ آن ماه جمالِ موسی

(قاضی، ۱۳۸۴: ۱۷۰)

شاعر با آوردن واژگانی که دارای هماهنگی‌های آوایی با معنا و مضمون شعر است، علاوه بر افزودن بر زیبایی موسیقایی، تصویری مناسب از یک فضای شاد و عاری از خشونت و متناسب با تولّد هفتمین اختر تابناک امامت و ولایت امام (ع)، القا می‌کند. وی بیشتر از حروفی نرم و روان از قبیل «ج، ح، س، ش، م، ن، ه» استفاده می‌کند تا بدین وسیله، موسیقی ملایمی متناسب با معنا در شعرش حاصل شود. کشش صوتی «ش» در این ابیات، نوعی نشاط و شادمانی در بیت ایجاد می‌کند و همچنین تکرار واژه «شاد» در ابتدای دو بیت اول، علاوه بر ایجاد آهنگی گوشنواز، بر این تأکید دارد که در چنین میلاد فرخنده‌ای، سرور و شادی توصیه

(۱) . احمد قاضی، فرزند نبی در یکم تیرماه ۱۳۱۴ شمسی دیده به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۴ در دبیرستان دهخداي هرسین به تدریس مشغول و سپس به عنوان رییس همان دبیرستان منصوب گردید. با شروع جنگ تحمیلی، در جبهه‌ها فعالانه شرکت نمود. وی دارای ذوق شعری سرشار و لطیف بود. اشعارش بیشتر عرفانی و در وصف ائمه (ع) و مسائل اخلاقی، اجتماعی و سیاسی و تا بحال در هفت جلد به زیور طبع آراسته گشته است. قاضی در شهریور ماه ۱۳۹۱ در کرمانشاه جان به جان آفرین تسلیم نمود.

می‌شود. همان‌طور که دیده می‌شود، تکرار مصوت کوتاه e و تکرار کلمه «موسی» تکامل‌بخش موسیقی درونی شعر، در این پنج بیت شده است. از دیگر زیبایی‌های بلاغی در قصیده «سائل راه ولایت» که شاعر با بهره بردن از آنها به سحرآفرینی پرداخته است، زیبایی تخیل استعاره و تشبیه بلیغ موجود در آن است. استعاره و تشبیه بلیغ، «خیال‌انگیزی زیادی در ذهن خواننده ایجاد می‌کند و نشانه گرایش شاعر به هنرآفرینی و پرهیز از اطناب و توجه به ایجاز در فصاحت و بلاغت است» (هادی، ۱۳۹۲: ۱۲۰)، و «خیال عنصر اصلی شعر در همه تعریف‌های قدیم و جدید است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۳).

در این قصیده، ترکیب‌های «باب حوائج»، استعاره مصرحه برای امام (ع) و «بدر هلال موسی» استعاره مصرحه از چهره مبارک امام (ع) است. همچنین، «یاسمن حُسن» و «ماه جمال» اضافه تشبیه‌اند که در آنها «حسن کمال موسی» به گل یاسمن و «جمال موسی» به ماه تشبیه شده است.

## ۲-۲-۲- بیان رنج‌های امام کاظم (ع) و ستم خلفای عباسی در حق ایشان

حاج همامعلی، معروف به محقق خراسانی<sup>(۱)</sup>، از شکیبایی خداوند قهار در برابر ستمی که به امام کاظم (ع) رفته است، تعجب و از آواره شدن نوادگان پیامبر (ص) و فاطمه زهراء (س) احساس دلتنگی می‌کند. از آنجا که وی خواسته است سوز و گداز و درد و رنج مکرر درونی خود را در اثر ستمی که بر امام (ع) رفته، به تصویر کشد، از تکرار حرف «ر» بهره گرفته است؛ چرا که این حرف را به جهت خاصیت تلفظی توأم با تکرارش، حرف تکریر (ر. ک: امیری، ۱۳۸۳: ۵۴) خوانده‌اند:

- ۱- عَجَبًا لِحِلْمِ الْوَّاحِدِ الْقَهَّارِ وَأُنَاتِهِ فِي مُهَلَّةِ الْأَشْرَارِ
- ۲- كَيْفَ الْقَرَارُ لِأَرْضِهِ وَسَمَائِهِ وَبَنُو الْبَتُولِ مَشْرَدُو الْكَافِرِ

(۱). حاج (ملا) همامعلی محقق خراسانی، فرزند ملا عباس در دامغان متولد گردید. وی پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی، به مشهد مهاجرت و دروس حوزوی را پی گرفت. او را با نام واعظ می‌شناسند. از وی اشعار زیادی موجود است که برخی از آنها در مناسبت‌های مختلف توسط نوه‌اش دکتر مهدی محقق منتشر گردیده و تعدادی از آنها در کتاب زندگی‌نامه فرزندش شیخ عباسعلی محقق چاپ شده است.

۳- فَبَدَّتْ جَنَازَتُهُ وَأَشْرَقَ نُورُهُ      عَن سِجْنِهِ كَالشَّمْسِ عِنْدَ نَهَارِ  
 ۴- كَالعَرشِ حُمَلٍ فَوْقَ أَرْبَعِ حَامِلٍ      نُورُ اللَّهِ يَرَاهُ ذُو الْأَبْصَارِ  
 (محقق، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۹)

شاعر در ادامه بخاطر مصیبت‌هایی که امام موسی کاظم (ع) متحمل شده است، آرزوی از هم پاشیدن کوه‌ها و نابودی دنیا را می‌کند:

لَيْتَ الْجِبَالِ تَدَكَّدَتْ مِنْ رُزْئِهِ      يَا لَيْتَ مَا الدُّنْيَا بِدَارِ قَرَارِ  
 (محقق، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۳۰)

احمد قاضی نیز بیتی تقریباً با همین مضمون سروده است:  
 آستانی که ملک سجده کند در ره او      کی‌توان دید که در دیده‌به‌زندان بلاست  
 (قاضی، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

در دوران امامت موسی بن جعفر (ع) چهار خلیفه به قدرت رسیدند، شاعران عرب و ایرانی، سخت‌ترین دورانی را که امام (ع) در آن بسر برده است، دوران هارون الرشید می‌دانند و در شعر خویش به ستم‌هایی که از طرف سه خلیفه دیگر بر آن امام همام (ع) رفته است، سخنی به میان نیاورده‌اند، توکل حامد<sup>(۱)</sup> از ستم حکومت هارونی در حق امام (ع) گفته است:

هارون نهاد چون غُلّ و زنجیر گردنش      محبوس کرد و گفت اینت مقرر است  
 (توکل، بی‌تا: ۱۰۰)

(۱) . توکل حامد، در سال ۱۲۷۴ شمسی دیده به جهان گشود از پنج سالگی دروس مقدماتی حوزوی را در محضر پدر و سایر علماء آموخت. وی برای ادامه تحصیل راهی کرمانشاه و از آنجا عازم نجف اشرف گردید و به تحصیلات خود تا حدود درس خارج فقه ادامه داد و سپس به شهر هرسین مراجعت نمود. حامد در سال ۱۳۱۱ به استخدام آموزش و پرورش در آمد. ایشان را به حق می‌توان پدر آموزش و پرورش نوین در هرسین به شمار آورد. وی در سال ۱۳۵۴ شمسی در شهرستان هرسین دیده از جهان فرو بست. حامد قریحه‌ای سرشار و خدادادی در شعر و ادب داشت، دیوان شعر او حدود چهار هزار بیت دارد که به خط زیبای خویش نگاشته، اما تا کنون به زیور چاپ آراسته نگشته است.

و اسعد موسوی<sup>(۱)</sup> نیز در مورد شقاوت هارون الرشید اینچنین سروده است:

۱- كَمَ وَكَمَ كَابِدٍ مِّنْ أَعْدَائِهِ      غَصَصًا تَذَهُلُ لُبَّ الْعَاقِلِ  
 ۲- سَيِّمًا أَشَقَى الْوَرَى شَيْطَانَهَا      الْمُسَمَّى بِالرَّشِيدِ الْجَاهِلِ  
 (اسعد، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۶)

آخرین زندان بان امام (ع) «سندی بن شاهک» بوده است (مفید، ۱۴۱۶: ۲/۲۴۱؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱/۱۳۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲: ۱۴/۱۵) شاعران عرب، ضمن بیان جزئیات بیشتری از زندانی شدن امام (ع) توسط هارون الرشید، از سندی بن شاهک که «یک زندان بان بسیار قوی و خشن و از سرسپردگان بنی عباس و از وفاداران به دستگاه سلطنت و خلافت آن روز بود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۰۲)، نام برده‌اند.

اسعد موسوی، با پرداختن به زندانی شدن امام (ع) توسط هارون الرشید و ستم‌های این زندان بان، اینگونه سروده است:

۱- وَإِلَى الْبَصْرِ قَدْ أَشْخَصَهُ      وَبَغْدَادَ بِذُلِّ قَاتِلِ  
 ۲- قَدْ رَمَاهُ فِي سُجُونٍ أَرْبَعًا      ثُمَّ عَشْرًا لَمْ يَخَفْ لِلْعَادِلِ  
 ۳- وَبِحَبْسِ الْفَاجِرِ السَّنْدِيِّ قَدْ      زَجَّهُ لَمْ يَخْشَ عَذْلَ الْعَاذِلِ  
 ۴- مَا لَهُ فِي السَّجْنِ مَنْ يُؤْنَسُهُ      غَيْرَ عِلْجٍ وَكَفُورٍ خَامِلِ  
 (اسعد، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۶)

محقق خراسانی نیز با اشاره به دستگیری امام (ع) در مسجد النبى (ص) به هنگام نماز (مفید، ۱۴۱۶: ۲/۲۳۹)، وجود مبارک امام (ع) را در زندان به «مرواریدی در قعر دریا» تشبیه کرده است؛ که امام (ع) را همچون گوهری قیمتی برای محافظت در زندان پوشیده داشته‌اند و به سبب سختگیری‌هایی که در زندان بر

(۱) . سید اسعد بن علی دعلوج موسوی قطیفی، در سال ۱۳۲۱ قمری متولد شد. در کودکی خط و قرآن را آموخت و در جوانی برخی از دروس عربی و فقه را نزد استادان شهر خود فرا گرفت. وی از خطیبان و مرثیه‌سرایان در سوگواری‌های سیدالشهداء است و مرثیه‌ای بر امام موسی کاظم (ع) دارد.



امام (ع) می‌شده است، روزگارش را به شب تاریکی تشبیه کرده که اشک ستارگان آن شب تاریک، همچون سیل روان است:

- ۱- أَمَرَ اللَّعِينُ بِنُ اللَّعِينِ بِأَخْذِهِ
  - ۲- جَرَّوهُ قَسْرًا عَن مَدِينَةِ جَدِّهِ
  - ۳- وَتَرَاهُ فِي قَعْرِ السُّجُونِ مُعَذَّبًا
  - ۴- أَيَّامُهُ مِثْلُ اللَّيَالِي مُظْلِمَةٌ
  - ۵- يَا لَلْمُكْبَلِ فِي الْحَدِيدِ مُرْضًا
  - ۶- أَوْه لِظْلَمِ السَّنْدِيِّ بِنِ الشَّاهِكِ
- غضباً عليه بروضة المُختارِ  
حِينَ الصَّلَاةِ مُنَادِيًا لِلْبَارِي  
كَاللُّوْلُو الْمَكْنُونِ قَعَرَ بِحَارِ  
وَنُجُومُهُ دَمَعُ كَعِينِ الْجَارِي  
أَعْضَاؤُهُ بِالْقَيْدِ وَالْإِزْجَارِ  
مَاذَا أَحَلَّ بِخَيْرِ آلِ نَزَارِ  
(محقق، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۹)

اما در مقابل، دو شاعر ایرانی، بدون ذکر جزئیات به موضوع زندانی شدن امام (ع) پرداخته‌اند:

آنکه در محبس هارون به دعا و نواست  
اختر هفتم پرشور ولایت موسی است  
(قاضی، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

توکل حامد، مدت در زندان بودن امام (ع) را هفت سال عنوان داشته است، این در حالی است که «در باره زندانی شدن امام (ع)، اخبار چندی نقل شده است. آنچه از مجموع این روایات استفاده می‌شود، این است که امام کاظم (ع) دو بار به دستور هارون به زندان افتاده است که مرتبه دوم قریب به پنج سال به طول انجامیده است. اما در باره مرتبه نخست زندان، مدت زمان آن در اخبار نیامده است» (جعفریان، ۱۳۹۱: ۴۷۷).

- ۱- چو شد مسخر او تاج تخت سلطانی
  - ۲- به روز و روزه و شبها به طاعت حق بود
  - ۳- نشست گوشه زندان به هفت سال تمام
  - ۴- تنش ز درد و مصیبت چو شاخ ریحان شد
- نمود موسی جعفر به ظلم زندانی است  
دلش به یاد حق و تن اسیر ناحق بود  
همیشه داشت پی بندگی حق اقدام  
چنان ضعیف که مانند جسم بی جان شد  
(توکل، بی تا: ۱۰۱)

همانطور که ملاحظه گردید، شاعران پارسی‌سرای مورد پژوهش این مقاله در مقابل شاعران عربی‌سرا، بیشتر از تشبیه استفاده کرده‌اند. ایشان تقریباً ۳۱/۵۷ درصد از تشبیهات خود را به صورت مجمل (بدون وجه شبه) آورده‌اند، که این نشان از توانایی این شاعران در ایجاد تشبیهات خیال‌انگیز و هنری دارد، هر چند که باید دانست «وقتی مشبه‌به دارای صفت و ویژگی واضح و آشکاری باشد، شاعر خود را ملزم به آوردن وجه شبه نمی‌بیند»، (زنجان، ۱۳۷۷: ۴۳) همچنین در تشبیهات شاعران پارسی‌گوی این مقاله، غالباً اشیاء مادی و محسوس به اشیاء مادی و محسوس دیگر تشبیه شده است و این بسامد بالای حسی بودن دو طرف تشبیه، باعث روشنی و سادگی تصاویر شده است. گرایش این شاعران در ملموس و مادی ارائه دادن حالت‌ها و معانی را می‌توان در انتخاب سبک خراسانی برای بیان مفاهیم خود جستجو کرد؛ زیرا «در سبک خراسانی، تشبیه محسوس افزون‌تر از تشبیهات معقول رواج دارد» (طالبیان، ۱۳۷۸: ۴۱۱). و نیز با توجه به بسامد بالای مشبه‌به‌های از حوزه طبیعت، شاید سبب این گرایش برگرفته از زندگی کردن این دو شاعر در طبیعت زیبای شهر هرسین، که از آب و هوای معتدل و دلپذیری برخوردار است، باشد. در مقابل، دو شاعر عرب این مقاله در اشعار خویش، فقط در پنج مورد از تشبیه استفاده کرده‌اند که ایشان نیز بیشتر امور حسی را برای تشبیه خود برگزیده‌اند؛ بنابراین، می‌بینیم که شاعران پارسی‌گوی این مقاله، تشبیه سازتر و تصویرگتر بوده‌اند. دو شاعر عرب این مقاله نیز در اشعار خویش، بیشتر امور حسی را برای تشبیه خود انتخاب کرده‌اند.

### ۲-۲-۳- ذکر نسب و القاب امام موسی کاظم (ع)

شاعران عربی و ایرانی مورد پژوهش، مدح نسب و خاندان امام (ع) را در شعر خود نیاورده‌اند، بلکه مختصر و تقریباً به صورت مساوی به ذکر نسب امام (ع) پرداخته‌اند، ایشان از پیامبر (ص)، امام علی (ع)، فاطمه الزهراء (س)، امام صادق (ع) و امام جواد (ع) یاد می‌کنند و امام هفتم (ع) را با تعبیری، از قبیل «شبل النبی،

خلیفة الأبرار، سیّد الأبرار، حلیم، امام فاضل، سرور و مولای انس و جن، حجّت حق، فریادرس، باب الحوائج، دُر دیده» معرفی کرده‌اند.

افزون بر این، حامد و محقق خراسانی با آوردن لقب‌های «بتول و مرتضی» از فرآیند فراخوانی شخصیت‌های تاریخی از طریق تکنیک «لقب» بهره گرفته‌اند؛ زیرا «لقب نسبت به اسم واضح‌تر است و توصیف و تعیین را همزمان در یک جا جمع می‌کند» (نجفی ایوکی، ۱۳۹۱: ۱۷).

۱- كَيْفَ الْقَرَارُ لِأَرْضِهِ وَسَمَائِهِ  
وَبَنُو الْبَتُولِ مُشَرَّدُو الْكَافِرِ  
۲- لَهْفِي لِمُوسَى الْكَاطِمِ بْنِ الصَّادِقِ  
شِبْلِ النَّبِيِّ خَلِيفَةِ الْأَبْرَارِ  
۳- أَسْفِي لِظَلْمٍ حَلَّ عَنْ بَعْغِي عَلَى  
مُوسَى الْحَلِيمِ وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ  
(محقق، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۹)

اسعد موسوی نیز از جدا کردن امام (ع) از فرزند دلبندهش امام جواد(ع) یاد می‌کند:  
مِنْ جَوَادِ الْمُصْطَفَى أَخْرَجَهُ  
يَا بِنَفْسِي لِإِمَامِ الْفَاضِلِ  
(اسعد، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۶)

توگّل حامد، به ذریه رسول خدا (ص) و از نسل امام علی (ع) بودن امام موسی کاظم(ع) اشاره

دارد و وی را نور الهی در صورت بشر برای هدایت انسان می‌داند و همچنین امام(ع) را به پیامبر (ص) در اعجاز و به امام علی (ع) در فریادرس بودن تشبیه می‌کند.

۱- ذریه رسول و ز اولاد مرتضی است  
باشد امام هفتم و موسی بن جعفر است  
۲- نور خدای لم یزل و صورت بشر  
برجن و انس سیّد و مولا و سرور است  
۳- فریادرس به خلق جهان همچو مرتضی  
معجزما ز قدرت حق چون پیامبر است  
(توگّل، بی تا: ۹۹)

احمد قاضی، برای امام(ع) لقب‌های «حجّت حق، باب الحوائج و دُر دیده» را آورده است.

۱- سالها حجّت حق بنده پادر محبس  
این چنین ظلم کجادر همه تاریخ رواست است

۲- بر دعادست بر آریم بدان حجت حق  
 ۳- آستانی که ملک سجده کند در ره او  
 چون که او باب حوائج به دل مضطر ماست  
 کی توان دید که دُرّ دیده به زندان بلاست  
 (قاضی، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

محقق خراسانی در مقابل، هارون الرشید را با تعبیری از قبیل «زناکار، ملعون، فرزند ملعون، فاجر، کافر، ستمگر» معرفی کرده و از القاب و فضیلت‌های امام(ع) اینگونه یاد نموده است:

۱- أَمَرَ اللَّعِينُ بْنُ اللَّعِينِ بِأَخْذِهِ  
 ۲- يَدْعُو بِقَلْبٍ مُكْمَدٍ «يَا جَدْنَا  
 ۳- يَا جَدْنَا مَاذَا جَرَى مِنْ أُمَّةٍ  
 ۴- فَاقِيمَ بَيْنَ يَدَي رَشِيدٍ كَافِرٍ  
 ۵- أَسْفِي لِيُظْلَمَ حَلٌّ عَنْ بَغْيِي عَلَى  
 غَضَبًا عَلَيْهِ بِرَوْضَةِ الْمُخْتَارِ  
 يَا لِلْفَضِيحَةِ مِنْ يَدِ الْفُجَّارِ  
 فِيهَا هَلَكَ الْأَبْرَارُ وَالْأَخْيَارُ»  
 مُتَحَرِّكَاً شَفْتَاهُ بِالْأَذْكَارِ  
 مُوسَى الْحَلِيمِ وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ  
 (محقق، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۹)

در بیت دوم به سبب اینکه مستغاث‌له (ید الفجار)، مستنصر علیه است، شاعر مجاز بوده است به جای لام مکسور، از «مِن» تعلیله استفاده کند.

اسعد موسوی، هارون الرشید را با ویژگی‌های «شقیّ، شیطنت که نه بلکه خود شیطان بودن و جاهل» نواخته است.

سَيِّمَا أَشْقَى الْوَرَى شَيْطَانَهَا  
 الْمُسَمَّى بِالرَّشِيدِ الْجَاهِلِ  
 (اسعد، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۶)

قاضی، سرانجام هارون را فردی جهنمی معرفی کرده و علت آن را اعمال پلید وی و ستم به امام(ع) دانسته است:

چونکه هارون به تمامی به ره خبث رود  
 اینک از قعر درک ناله کنان در غوغاست  
 رواست است  
 (قاضی، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

۲-۲-۴- عبادت امام موسی کاظم(ع)

توگل حامد، در بیان عبادات امام(ع) خاطر نشان می‌سازد که وی حتی در زندان نیز با حالت سرور، همواره صائم (روزه دار) و قائم (نمازگزار) بوده است: تا هفت سال صائم و قائم به سر بُرد با حالت سرور که این حال خوشتر است (توگل، بی‌تا: ۱۰۱)

و در جای دیگری می‌گوید:

به روز روزه و شبها به طاعت حق بود دلش به یاد حق و تن اسیر ناحق بود (همان)

از زیبایی‌های این ابیات، استفاده از صنعت جناس برای ایجاد موسیقی درونی در شعر است. به این صورت که بین صائم و قائم که در یکی از حروف با هم اختلاف دارند، جناس ناقص اختلافی و در «حالت و حال»، که «حالت» نسبت به «حال» یک مجموعه «مصوت + صامت» اضافه دارد، جناس زاید وجود دارد و «روزه» یک مصوت کوتاه e نسبت به «روز» اضافه دارد. و در مصراع دوم «ناحق» که دو هجا در آغاز از «حق» بیشتر دارد، ملحق به جناس زاید محسوب می‌شود. البته بین «حق» و «ناحق» علاوه بر جناس ناقص افزایشی، تضاد هم وجود دارد که این صنعت «از جلوه‌های شناخته شده موسیقی معنوی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۹۳).

قاضی نیز در ستایش عبادت و نیایش امام(ع) گفته است:

۱- آنکه در محبس

هارون به دعا و به نواست اختر هفتم پرشور ولایت موسی است

۲- از نهانخانه دل یاد خدایش به زبان بر کرامات نظر پایگه اهل وفاست

(قاضی، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

اسعد موسوی، در بیان فروتنی و مداومت امام(ع) -با وجود ستم و زندان- در

ذکر و عبادت خداوند متعال، اینگونه سروده است:

- ۱- وَبَقِيَ فِي سَجِنِهِ مُضْطَهَدًا      يَعْْبُدُ اللَّهَ بِقَلْبٍ وَاجِلٍ  
 ۲- ذَاكِرًا اللَّهَ مَطْوِيٍّ الْحِشَا      فِي عَنَاءٍ وَظَلَامٍ حَائِلٍ  
 (اسعد، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۶)

از زیبایی‌های این بیت مفعول به قرار دادن «الله» برای شبه فعل «ذاکر» است؛ زیرا با این کار می‌فهماند امام کاظم(ع) از عبادت و ذکر خداوند دل بر نمی‌گرفته و پی در پی و همیشه آن را انجام می‌داده است. محقق خراسانی نیز از پیوستگی و مداومت امام(ع) در امر عبادت اینگونه سروده است:

- سَهَرَ اللَّيَالِي بِالْعِبَادَةِ كُلَّهَا      وَيَبِيْتُ يَحِيهَا إِلَى الْأَسْحَارِ  
 (محقق، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۹)

### ۲-۲-۵- شهادت امام موسی کاظم(ع)

شاعران عرب در بیان شیوه مسموم کردن امام(ع)، به جزئیات شهادت امام موسی کاظم(ع) پرداخته‌اند؛ اما در مقابل، دو شاعران ایرانی، در این خصوص شعری را نسوده‌اند:

- ۱- قَدْ رَمَاهُ فِي سُجُونٍ أَرْبَعًا      ثُمَّ عَشْرًا لَمْ يَخَفِ لِلْعَادِلِ  
 ۲- مَا اِكْتَفَى هَارُونَ حَتَّى سَمَّهُ      فِي حِشَا الدِّينِ بِسَمِّ قَاتِلِ  
 ۳- فَغَدَا يَرْمِي حَشَاهُ قِطْعًا      وَقَضَى نَفْسِي الْغَدَا لِلرَّاحِلِ  
 ۴- وَغَدَتِ شَيْعَتُهُ تَنْدُبُهُ      بِعَوِيلٍ وَبِقَلْبٍ ذَاهِلِ  
 ۵- وَعَلَى الْجِسْرِ رُمِيَ لَهْفِي لَهُ      ثُمَّ نُودِيَ بِالنُّدَاءِ الْقَاتِلِ  
 (اسعد، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۶)

محقق خراسانی، نیز در بیان مصیبت شهادت امام(ع) با شور و حرارت ویژه‌ای سخن می‌گوید:

- ۱- فَبِتَسَعِ تَمَرٍ سَمَّهُ فِي دَارِهِ      أَحْشَاؤُهُ قَدْ أَوْقَدَتْ بِنَارِ  
 ۲- فَبَدَتِ جَنَازَتُهُ وَأَشْرَقَ نَوْرُهُ      عَن سَجِنِهِ كَالشَّمْسِ عِنْدَ نَهَارِ

۳- كَالْعَرْشِ حُمَلٍ فَوْقَ أَرْبَعِ حَامِلٍ      نُورُ اللَّهِ يَرَاهُ ذُو الْأَبْصَارِ  
(محقق، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۹-۳۰)

اسعد موسوی علاوه بر خود، ملائک و پیامبران و قرآن و دین و عرش الهی را نیز در شهادت امام (ع) گریان می‌داند و در حسن تعلیلی زیبا، عنوان می‌دارد که رنگ قرمز تیره آسمان، نشانه عزادار بودن آسمان در شهادت امام موسی کاظم (ع) است:

۱- فَبَكَّى الْأَمَلَاكُ وَالرُّسُلُ لَهُ      وَالسَّمَاوَاتُ بِقَانٍ هَاطِلٍ  
۲- وَبَكَى الْقُرْآنُ وَالِدَيْنُ مَعًا      وَالْوَرَى مِنْ مَحْتَفٍ أَوْ نَاعِلٍ  
۳- وَبَكَى الْكُرْسِيُّ وَالْعَرْشُ مَعًا      وَكَذَا الْجَنُّ بِدَمْعِ هَامِلٍ  
(اسعد، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۶-۲۷)

از زیبایی‌های این سه بیت «ادای معنی به طریق مخیل است» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۷۹). که اسعد موسوی با آنیمیسم (Animism) یا همان «تشخیص»، از این‌گونه خیال‌ورزی که جنبه هنری دارد، برای جلب توجه مخاطب بهره برده است، به این صورت که «ملائک، قرآن، دین و عرش الهی» را به انسان تشبیه کرده و سپس «گریستن» را که از ویژگی‌های انسان است، به آن‌ها نسبت داده و با تشبیه «ملائک، قرآن، دین و عرش الهی» به انسان، به آن‌ها جسم و جان و ویژگی انسانی بخشیده است.

## ۲-۲-۶- امام موسی کاظم (ع)، الگویی برای ظلم ستیزی

شاعران امام (ع) را به عنوان یک مبارز خستگی ناپذیر و نستوه معرفی می‌کنند تا الگویی برای مبارزه و قیام ضد حاکمان فاسد و ستمگر کشورهای عربی باشد و چه بسا توکل حامد نیز که در رژیم شاهنشاهی چشم از جهان فرو بسته است، همین هدف را دنبال می‌کرده است. قاضی نیز در اعتراض به نظام سیاسی حاکم بر جامعه دوران عباسی، اینگونه سروده است:

۱- آه از این چرخ که پیمانانه مظلوم شکست      وای از آن مردم نادان که در آن راه خطاست  
۲- سالها حجت حق بند به پادر محبس      این چنین ظلم کجادر همه تاریخ رواست  
(قاضی، ۱۳۸۴: ۱۷۳)

محقق خراسانی، از شکیبایی خداوند در مهلت دادن به اشرار و ظالمان و تداوم آوارگی خاندان رسول (ص) شگفت زده شده و چنین می‌گوید:

- ۱- عَجَبًا لِحَلِمِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَأَنَاتِهِ فِي مُهْلَةِ الْأَشْرَارِ
  - ۲- كَيْفَ الْقَرَارُ لِأَرْضِهِ وَسَمَائِهِ وَبَنُو الْبِتُولِ مُشْرَدُو الْكَافِرِ
- (محقق، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۲۹)

### ۲-۲-۷- ایجاد پیوند میان مسئله امامت و نبوت

توکل حامد، در فرآیند فراخوانی شخصیت‌های تاریخی از تکنیک «اسم» بهره گرفته و داستان حضرت موسی پیامبر (ع) را در کوه طور یادآوری کرده است و با اشاره به تجلی خداوند بر کوه طور به صورت نور، ادعا می‌کند که این نور امام موسی کاظم (ع) بوده است که بر کوه متجلی شده و با دیدن آن موسی پیامبر بیهوش بر زمین افتاده است. وی سعی دارد با این بسترسازی به مخاطب بفهماند که امام موسی کاظم (ع) نوری از انوار حق تعالی است.

- ۱- نورش به طور در بر موسی چه جلوه کرد از خویش رفت و گفت که این نور داور است
  - ۲- موسی چه موسی است که موسی به کوه طور از پرتو لقاش چنین زار و مضطر است
  - ۳- موسی بود چو لعمه نوری ز نور حق بر خلق روشنی وی از حق مقرر است
- (توکل، بی تا: ۱۰۰)

### ۲-۲-۸- بیان عشق و ارادت خویش نسبت به امام (ع)

توکل حامد، در اشعار زیر به زیبایی از شرک‌گویی گریخته و ضمن رعایت توحید عبادی به مدح امام موسی کاظم (ع) پرداخته است. وی زایا و پویا بودن امت را منوط به عشق امت به امامت می‌داند؛ چرا که امت بمثابة جسم است و اعتقاد به امامت، روح و نیرو محرکه آن و مشخص است که جسم بی‌روح حرکت و رشدی ندارد:

- ۱- مهرش به جسم جمله چو روح است در بدن زانرو که خلق جمله چو جسم او چو گوهر است
- ۲- نی خالق است او نه چه مخلوق باشد او معبود خلق عالم و خود عبد داور است در بحر
- ۳- مذکور خلق و ذاکر خلاق ماسوی است وحدت احدیت شناگر است (همان)



شاعر در این ابیات، برای تأکید و برجسته نمودن معنی و تصویر سازی ادبی و ایجاد موسیقی معنوی، عنصرهای «جسم و روح»، «خالق و مخلوق»، «مذکور و ذاکر»، را که از جنبه معنایی در تضاد با یکدیگرند، در برابر هم قرار می‌دهد و با بهره گرفتن از اصل «تَعَرَّفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا»، مخاطب را به مفهوم و معنای مورد نظر خود رهنمون می‌گرداند. از دیگر ظرافت‌های بدیعی که سبب موسیقایی این ابیات گردیده، «جناس اشتقاق» بین واژگان (خالق، مخلوق، خلق، خلاق/ معبود، عبد/ مذکور، ذاکر/ وحدت، احدیت) است که توکل حامد با استفاده از هم‌جنسی حروف دو کلمه، بر موسیقی درونی شعرش افزوده است.

#### ۲-۲-۹- شفیع قرار دادن امام موسی کاظم (ع)

شاعران، امام موسی کاظم (ع) را یکی از مصادیق راستین این فرموده حق تعالی می‌دانند: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ (مریم/ ۸۷) و او را مشکل‌گشا، شفیع و فریادرس در این دنیا و آن دنیا می‌دانند:

- ۱- یا سَيِّدَ الْمُحْجُوبِ عَبْدِ رَاجِيًا عَفْوَ الذُّنُوبِ صِغَارِهِ وَكِبَارِهِ
- ۲- أَرْجُو بِلَطْفِكَ رَاحَةً فِي شِدَّةٍ حِينَ الْمَنِيَّةِ أَنْشَبَتْ أَظْفَارَ (محقق، به نقل از خفاف، ۱۴۱۴: ۳۰)

شاید بتوان گفت: تنها موردی که این چهار شاعر در اشعار خود به هنگام وصف امام موسی کاظم (ع) از استعاره مکنیه استفاده کرده‌اند، این بیت است که «در آن شاعر، مرگ (منیة) را به حیوان درنده تشبیه کرده است و مشبه‌به (حیوان درنده) را حذف کرده و به وسیله «أظفار» که یکی از لوازم مشبه‌به است به آن اشاره کرده است» (هاشمی، ۱۳۷۹: ۲۶۶).

یکی از راههای بخشیده شدن گناهان شفیع قرار دادن افرادی است که از مقام شفاعت برخوردارند، بر اساس قرآن، پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) از این مقام برخوردارند. توکل حامد، با علم به این مطلب برای بخشیده شدن گناهانش، حضرت

موسی بن جعفر (ع) را شفیع قرار می‌دهد<sup>(۱)</sup>.

- |                                    |   |
|------------------------------------|---|
| مشکل گشابه عالم و شافع به محشر است | ۱- از امر کردگر به خلق جهان همه         |
| معجزما ز قدرت حقّ چون پیمبر است    | ۲- فریادرس به خلق جهان همچو مرتضی       |
| عدوّ است یا که مسلمان و کافر است   | ۳- لیکن ز رحمت او به همه خلق مهربان     |
| بخشا گناه و جرم توگل که ذاکر است   | ۴- یاربّ به حقّ موسی جعفر ز لطف خود است |
- (توگل، بی‌تا: ۱۰۰-۱۰۱)

احمد قاضی نیز امام موسی بن جعفر (ع) را شفیع خود قرار داده و چنین سروده است:

- |                                |                                     |
|--------------------------------|-------------------------------------|
| که نهم دل به کف دست سؤال موسی  | ۱- منم آن سائل در راه ولایت به یقین |
| چشم احمد به کف و خاک نعال موسی | ۲- اسوه صبر بود باب حوائج همه جا    |
- (قاضی، ۱۳۸۴: ۱۷۰)

و در قصیده «باب الحوائج» می‌گوید:

- |                                     |                                  |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| چون که او باب حوائج به دل مضطرب است | بر دعا دست بر آریم بدان حجّت حقّ |
|-------------------------------------|----------------------------------|
- (همان: ۱۷۳)

۲-۱۰- تبیین مسئله ولایت امام (ع) با استفاده از بینامتنیت قرآنی و روایی حامد با عنایت به آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ﴾ (نساء/ ۵۹) به خوبی این مضمون قرآنی را در شعرش گنجانده است. وی اطاعت از امام را بر همه واجب می‌داند؛ زیرا بر اساس این آیه، خداوند مردم را مکلف به اطاعت از دستورات و آموزه‌های ایشان کرده است:

- |                                      |                                   |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| چون اوز امر حق به جهان جمله رهبر است | ۱- فرض است طاعتش به عموم جهانیان  |
| میکال هست حاجب و جبریل چاکر است      | ۲- در آستان حضرت او قدسیان خدم    |
| گاهی به خلق منذر و گاهی مبشّر است    | ۳- ترویج داد حکم خدا را به خلق او |

(۱) . برای اطلاع بیشتر به تفسیر المیزان، تألیف علامه طباطبایی، جلد ۱ صفحه ۲۰۴ تا صفحه ۲۴۷ (ذیل آیات ۴۷ و ۴۸ سوره بقره) مراجعه شود (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۲۰۴-۲۴۷).

۴- فرض است بر طاعتش نه همی بر جهانیان خیل ملک به نه فلک او را ثناگر است  
(توگل، بی تا: ۹۹-۱۰۰)

یکی دیگر از مواردی که اقتباس پنهان و غیر مستقیم قرآنی و روایی در اشعار حامد جلوه گر شده، به این صورت است: آیه ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۗ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۗ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره / ۱۲۴) «اهمیت مقام رهبری و مدیریت انسان‌ها را می‌رساند. ابراهیم پس از آن که آزمایش‌های بزرگی از قبیل در راه عقیده در آتش رفتن، یک تنه با یک ملت مبارزه کردن و بت شکنی نمودن، تا پای قربانی فرزند عزیز در راه خدا رفتن [را با موفقیت پشت سر گذاشت] خدا او را به‌عنوان امام و رهبر و پیشوا معرفی می‌کند. از اینجا می‌توان به اهمیت فوق العاده رهبری پی برد» (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۲۱). در حدیثی از امام صادق (ع) در ذیل این آیه آمده است: «خدای تبارک و تعالی ابراهیم را بنده خود گرفت پیش از آنکه پیامبرش کند، و او را به پیامبری برگزید پیش از آنکه رسولش کند، و رسول خود قرارش داد پیش از آنکه خلیش گرداند، و خلیش گرفت پیش از آنکه امامش قرار دهد. پس چون همه این مراتب و مقامات را برایش گرد آورد، فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم این مقام به قدری در نظرش بزرگ جلوه کرد که عرض نمود: از دودمان من نیز [امامانی را انتخاب می‌کنی یعنی انتخاب کن]، که خداوند فرمود: پیمان من که امامت و پیشوایی است به ستمکاران نمی‌رسد و نادان و بدخو پیشوای پرهیزگار نمی‌شود» (کلینی، بی تا، ۱/۱۷۵). حامد توگل، با توجه به آیه ۱۲۴ سوره بقره و این حدیث امام صادق (ع)، در شعرش مقام امامان را از مقام پیامبرانی که فقط وظیفه رسالت داشته‌اند نه امامت، برتر دانسته است:

۱- اختر چه اختری که فلک از وجود او ایستاده بی عمود و منقش ز اختر است  
۲- خورشید همچو ماه کند کسب نور از او بی شک و شبهه منکر این قصه کافر است  
۳- برتر مقام او ز همه انبیای پیش هر عالمی ز امت جدش پیمبر است  
(توگل، بی تا: ۱۰۰)

## ۳- نتیجه:

- ۱- اندیشه‌های این شاعران با ملیت‌های متفاوت، در بسیاری از موارد یکسان و دغدغه‌های ذهنی ادبی آنها تقریباً شبیه به هم است؛ اعتقاد به امامت، مرکز و محور اساسی تفکرات آنهاست و همین، اصلی‌ترین سبب این تشابه است.
- ۲- صفات مختلف امام از قبیل مبشّر و منذر بودن، مطاع بودن، شافعیت امام، باب الحوائج بودن، حجت حقّ بودن، دل‌برنگرفتن از عبادت حتی در زندان، نوری از نور حقّ تعالی و... در اشعار دو شاعر پارسی‌گوی بیش از شاعران عرب مورد پژوهانه این مقاله تبیین شده است.
- ۳- توکل حامد، زایا و پویا بودن امت را منوط به عشق امت به امامت دانسته است و امام کاظم (ع) را یکی از مصادیق راستین «اولو الامر» می‌داند.
- ۴- شاعران عربی‌سرای مورد پژوهش، آرایه‌های ادبی کمتری را به خدمت گرفته‌اند، در حالی که شاعران پارسی‌گو آرایه‌های بلاغی بیشتری در اشعارشان وجود دارد.
- ۵- دو شاعر پارسی‌گوی دیگر نسبت به دو شاعر دیگر، اهتمام بیشتری به کاربرد صور خیال به ویژه، استعاره و تشبیه، دارند.
- ۶- بسامد بالای حسی بودن مشبه‌به در تشبیهات شاعران پارسی‌گوی به سبب انتخاب سبک خراسانی است.
- ۷- استفاده از استعاره مصرحه و عدم استفاده از استعاره مکنیه -جز در یک مورد- نشان از سادگی و پیچیده نبودن اشعار این شاعران دارد؛ چرا که مخاطب آنها، بیشتر توده‌های مردم هستند.
- ۸- از میان این چهار شاعر، توکل حامد با استفاده از هنر واج آرایی، شعرش را موسیقایی‌تر کرده است.

## فهرست منابع

### - کتابها

قرآن کریم.

۱. أبوالفرج الإصفهانی. (۱۳۸۵). مقاتل الطالبيين. النجف: المكتبة الحیدریّة.
۲. امیری، جهانگیر. (۱۳۸۳). التجوید الأمثل. کرمانشاه: طاقبستان.
۳. جعفریان، رسول. (۱۳۹۱). حیات فکری - سیاسی امامان شیعه. چاپ دوم. تهران: علم.
۴. حامد، توکل. (بی‌تا). دیوان توکل. چاپ نشده.
۵. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۱). انسان ۲۵۰ ساله. چاپ دوازدهم. تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی ابوبکر. (۱۴۲۲). تاریخ بغداد. بیروت: دارالغرب الاسلامی.
۷. خفاف، إسماعیل الحاج عبد الرحیم. (۱۴۳۱). الإمام کاظم و ذراریه. العراق: العتبة کاظمیّة.
۸. زنجانی، برات. (۱۳۷۷). صور خیال در خمسه نظامی. تهران: امیرکبیر.
۹. زینی‌وند، تورج. (۱۳۹۵). به سوی نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی. چاپ اول. تهران: یار دانش.
۱۰. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). صور خیال. چاپ سوم. تهران: آگاه.
۱۱. (۱۳۷۰). موسیقی شعر. چاپ سوم. تهران: آگاه.
۱۲. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). بیان. چاپ ششم. تهران: فردوس.
۱۳. طالبیان، یحیی. (۱۳۷۸). صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی. کرمان: عماد.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۴). تفسیر المیزان. ناصر مکارم شیرازی

- (مترجم). جلد اول. چاپ دوم. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
۱۵. قاضی هرسینی، احمد. (۱۳۸۴). آل یاسین. قم: نجابت.
۱۶. کلینی، ابوجعفر محمد. (بی‌تا). اصول کافی. جلد ۱. تهران: دفتر نشر فرهنگ  
اهل بیت (ع).
۱۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۴). امامت و رهبری. چاپ دوم: صدرا.
۱۸. امفید (الشیخ المفید)، محمد بن محمد. (۱۴۱۶). الإرشاد فی معرفة حجج  
الله علی العباد. جلد دوم. بیروت: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۱۹. هاشمی، سید احمد. (۱۳۷۹). جواهر البلاغة. قم: مؤسسه الصادق للطباعة  
والنشر.

#### - مقاله‌ها

- ۱- نجفی ایوکی، علی. (۱۳۹۱). «شگردهای فراخوانی شخصیت‌های سنتی». ادب عرب. سال چهارم، شماره ۳، صص ۱۷-۴۶.
- ۲- هادی، روح‌الله و نصیری، زینب. (۱۳۹۲). «ساختار تشبیه در خسرو و شیرین و ویس و رامین». ادب فارسی. دوره ۲، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۱۵ - ۱۳۱.